مطالعات تاریخ اسلام
سال دوم/ شماره‌ی ۵/ تابستان ۱۳۸۹

مغیرةبن سعید و ظهور اندیشه‌ی حروفی گری در عصر امویان

روح الله بهرامی[۱]

چکیده: عراق در عصر امویان محل ظهور و بروز اندیشه ها و آراء مختلف سیاسی و فکری متنوعی بود. پیشینه تاریخی، ترکیب اجتماعی، مرکزیت سیاسی و اقتصادی، آن را به عنوان کانون مهم بروز این گونه افکار و اندیشه ها درآورده بود. یکی از مهم ترین این آراء و اندیشه ها، غلو و حروفی‌گری بود.

این نوشتار، چگونگی ظهور آراء و نمادهای رمزی و حروفی و سرچشمه‌ی حلول این افکار را در اندیشه‌ی مغیره بن سعید و نیز شکل‌گیری جریان مغیریه را بررسی نموده، با بهره گیری از روش‌های تحلیل تاریخی و فرقه شناسی به تبار شناسی اندیشه‌ها و واکاوی آراء این جریان سیاسی- مذهبی پرداخته است و پیوند میان این گونه اندیشه ها را با آراءگنوسی ایرانیان و تمدن‌های بین‌النهرین و نظریات رمزی، حروفی و عددی نو افلاطونیان و فیثاغورثیان آشکار ساخته و نشان داده که مغیره بن سعید نخستین کسی است که افکار رازورانه و باطنی متأثر از افکار گنوسی بین‌النهرین را با آراء، اندیشه ها و برداشت های عددی، حروفی و رمزی پیوند داده، با این اقدام اولین جریان و مکتب حروفی را در عهد امویان به وجود آورده است.

واژه‌های کلیدی: امویان، عراق، مغیره بن سعید، مغیریه، تشیع، غلو، حروفی‌گری

مقدمه

مغیرة بن سعید و فرقه‌ی مغیریه را باید یکی از جریان‌ها و جنبش‌های شیعی افراطی قلمداد کرد. این فرقه سرچشمه‌ی عمده‌ی ترویج اندیشه‌ی غلو و التقاط ملحدانه و آرا و عقاید انحرافی

---

۱ استاد یار گروه تاریخ دانشگاه لرستان dkbahrami2009@gmail.com
تاریخ دریافت: ۸۹/۱۱/۲۳ تاریخ تأیید: ۸۹/۱۲/۲۳

در اسلام و تشیع است. بسیاری از فرقه‌ها و نحله‌های گنوسی، باطنی، رادیکال و غالی از دامن این جریان برخاسته‌اند و از اندیشه‌ها و آرای آن تأثیر فراوان پذیرفته‌اند اما کمتر مورد بررسی و موشکافی محققانه قرار گرفته است .

افکار مغیرة بن سعید و فرقه‌ی مغیریه در منابع مختلف رجالی، تاریخ، حدیث و به‌ویژه در منابع ملل و نحل و فرقه‌نگاری به صورت ادبیات پراکنده و گسترده آمده و مملو از آراء و افکار متناقض، متعدد و متکثر است . بررسی و رمزگشایی این افکار و ایده‌ها می‌تواند میزان تأثیر این رهبر فعال و رادیکال و غالی تشیع را در میان سایر جریان‌های غالی در تاریخ اسلام و تشیع مشخص کند. تنوع و تکثر این اندیشه‌ها آن‌قدر زیاد و متضاد است که به بررسی گسترده‌ای نیاز دارد تا سرچشمه‌های حلول و رواج آن‌ها که عمدتاً با مبانی اعتقادی اسلام و تشیع ناسازگار است، در میان مسلمانان و شیعیان روشن شود.

از مهم‌ترین آراء و افکار مغیرة بن سعید و مغیریه باید از غلو و الوهیت‌بخشی به مقام انسانی ائمه و پیشوایان شیعی، ادعای دروغین نیابت و جانشینی امام محمد باقر (ع)، ادعای امامت و مهدویت، اعتقاد به حلول و تناسخ، ادعای اعجاز و نبوت، پیشگویی و جادوگری، افکار رازآمیز، ترور، طرح اندیشه‌های صوفیانه سرسپردگی و برگزیدگی یاد کرد. التقاط گسترده‌ی افکار و ایده‌های مختلف بر گرفته از آراء ایرانی، سامی، عبری و گنوسی همراه با باطنی‌گری و حروفی‌گری از ویژگی‌های مهم این نحله است. ابن سعید نخستین کسی است که جنبه‌ها و ابعاد باطنی، سری و عددی حروف را در عهد امویان آشکار کرد.

یکی از مهم‌ترین وجوه اندیشه و آراء مغیره بن سعید و جریان مغیریه طرح اندیشه‌ی اسطوره‌ی آفرینش براساس حروف، رمز و عدد است که می‌توان آن را در نوع خود کهن‌ترین مکتب حروفی‌گری در تاریخ اسلام شمرد. قبل از پرداختن به مبانی اندیشه‌ی حروفی‌گری مغیره، شخصیت و فعالیت‌های او را به‌طور مختصر بررسی خواهیم کرد.

بررسی و شناخت هویت دقیق شخصیت مغیره بن سعید با ابهاماتی مواجه است. در این مقاله ما درصدد تبیین زندگی، حیات سیاسی و همه‌ی ابعاد فعالیت‌های گسترده‌ی فکری مغیره که بازتاب وسیعی در منابع فرقه‌شناسی داشته است، نیستیم و لازم است در جای دیگری بررسی شود. نسب او عجلی و در مواردی بجلی خوانده شده است. گاه او را در شمار موالی و گاه از اعراب اصیل قلمداد کرده‌اند، مغیره حدود دو دهه و نیم در حوزه فکری، تاریخی و عقیدتی فعال بود. با توجه به اینکه او در سال ۱۱۹ ه.ق به دست فرمانروای عراق خالدبن

عبدالله القسری کشته شد و در آن زمان شیخی سال‌خورده بوده و با توجه به ارتباطاتش با حلقه‌ی یاران امام محمد باقر (ع) باید دوره‌ی حیات او را بین سال‌های پایانی دهه‌ی شصت و سال ۱۱۹ ه.ق دانست. (طبری، ۱۴۲۴، ۱۴۰۴/۴ ؛ ابن اثیر، ۱۴۱۸، ۴۵۲/۴ ؛ ابن رسته، ۱۳۶۵، ۲۶۵ ؛ المبرد ۱۹۹۹، ۸۱ ؛ دینوری ابن قتیبه، ۱۴۱۸، ۲۵۶/۱).

بررسی خط سیر فعالیت‌های سیاسی، عقیدتی و حوادث زندگی مغیره بن سعید خود مسئله‌ی غامضی است. اما به‌طور کلی و براساس آنچه از منابع استنباط می‌شود او پیرامون سه شاخه‌ی عمده‌ی علویان فعالیت‌های عقیدتی و سیاسی غلوآمیزی داشته است. برخی از آراء و عقاید او پیرامون محمدبن علی معروف به ابن حنفیه و فرزندش ابوهاشم (ابن ابی الحدید،۱۴۲۵؛ البلخی، ۴/ ۲۸۶) و برخی دیگر پیرامون فرزندهای امام حسین (ع) به‌ویژه امام محمد باقر (ع) و امام جعفر صادق (ع) (الکشی، ج۴۹۸/۳ ؛ الممقانی، ۳، ۲۳۶، النوبختی، ۱۳۵۵ ه.ق، ۶۳-۶۲، الاشعری القمی، ۱۳۶۰، ۷۷) بوده است و فعالیت‌هایش پیرامون فرزندهای امام حسن بن علی (ع)، عبدالله بن حسن بن حسن بن علی (ع) و محمدبن عبدالله بن حسن بن حسن بن علی (ع) معروف به نفس زکیه شکل گرفته است. (النوبختی، ۱۳۵۵، ۶۳، الاشعری القمی، ۳۶۱، ۷۴، و ۴۳، مدرس یزدی، ۱۳۷۴، ۵۷ ؛ مشکور، ۱۳۷۵، ۳-۲۹۲ و ۴۲۳ ؛ لوئیس، ۱۳۶۳، ۳۵) فعالیت‌های سیاسی و فکری این رهبر غالی احتمالا از اوایل دهه‌ی ۹۰ با غلو درباره‌ی شخصیت عبدالله بن محمد بن حنفیه معروف به ابوهاشم و با مخالفت جدی ابوعبدالله با افکار او آغاز شده است (ابن ابی الحدید، ۱۴۲۵، ۴ / ۲۸۶ – ۲۸۷). مغیره بعدها به عبدالله بن حسن و فرزندش محمد معروف به نفس زکیه و امام محمد باقر (ع) تمایل پیدا کرد. گاهی هم هم‌زمان تلاش می‌کرد و با هر سه شاخه‌ی علویان حنفی، حسنی و حسینی ارتباط برقرار کند . (النوبختی، ۱۳۵۵ ؛ ۶۲-۶۳، الاشعری القمی، ۱۳۶۱، ۷۴، ۴۳ ؛ البغدادی، ۱۴۰۰، ۴۱-۴۳) تکاپوهای غلوآمیز، طرح افکار انحرافی و رادیکالی مغیره خشم ابوهاشم، امام محمد باقر (ع) و فرزندش امام جعفر صادق (ع) را برانگیخت. اما گویا عبدالله بن حسن و محمد نفس زکیه در برابر تبلیغات مغیره بی‌تفاوت بودند و واکنش نشان ندادند، گمان می‌رود برخی ادعاهای مغیره در طرح و ترویج مهدویت محمد نفس زکیه با مرام و ادعای آن‌ها – با توجه به سکوت محمدبن عبدالله نفس زکیه – همسو بوده است (ابن ابی الحدید، همان، ۲۸۶) به‌هرحال مغیرة بن سعید، این رهبر غالی و پرتکاپو، با سازمان‌دهی و تشکیل حلقه‌ای از یاران و سرسپردگان در سال ۱۱۹ هق و اتحاد با یکی دیگر از رهبران فرقه‌های غالی به نام بیان بن سمعان، جنبشی در عراق راه انداخت و جان خود و همراهانش را

بر سر سودایی گذاشت که به دست خالدبن عبدالله القسری سرکوب شد. اعضای این فرقه همگی اعدام شدند. (الطبری، هان، ۱۴۰۴ ؛ ابن اثیر، همان، ۴۵۲ ؛ ابن حبیب، بی‌تا، ۶۸ ؛ البلخی، ۱۴۲۷، ۱۷۹/۲ ؛ الاندلسی ۲۰۰۱، ۳۴۳/۲ ؛ دینوری، ابن قیتبه، ۱۴۰۷، ۳۴۰).

مغیریه، پیروان مغیرة بن سعید، بعدها به شاخه‌های مختلف و متعددی تقسیم شدند و آراء و افکار مغیرة بن سعید را در جریان‌های مختلف سیاسی – اعتقادی خود بسط و گسترش دادند و تا زمان نوبختی و اشعری همچنان فعال بودند؛ این دو فرقه‌نگار شیعی از حضور و فعالیت آن‌ها در آن زمان خبر می‌دهند (النوبختی، ۶۳ ؛ الاشعری قمی، ۷۷). آراء و افکار مغیرة بن سعید به طرز عجیبی التقاطی است و از اندیشه‌های گنوسی، بین‌النهرینی، سامی، ایرانی و هندی بسیار تأثیر پذیرفته است. طبق آنچه منابع تاریخی، ادیان و فرقه‌شناسی آمده‌است یکی از وجوه برجسته‌ی اندیشه‌ی مغیره برداشت‌های عرفانی و آمیختگی شگفت‌انگیز و تأثیرپذیری فکری او از آراء گنوسی‌مسلکان، اسرائیلیات یهود و التقاط با افکار و آراء مندایان، مانویان و آیین‌های ایرانی و سامی است که به شدت با تفکرات عددی، رازورانه، حروفی و گرایش‌های غالی و سایر سرچشمه‌های غیراسلامی آمیخته است. تلاش می‌شود که برخی مفاهیم و عناصر اساسی تفکر حروفی، رمزی و عددی مغیره را روشن و چگونگی پیوند آن را با عناصر فکری همسانش در میان افکار و عقاید ملل و ادیان کهن پیش از اسلام مشخص و سرچشمه‌ی این مکتب حروفی و هویت و عناصر فکری آن را بررسی و افکار او را رمزگشایی کنیم. بر این اساس تلاش می‌شود با بررسی اندیشه‌ی حروفی‌گری مغیره بن سعید سرچشمه‌های آراء و افکار حروفی او در سه مقوله که مهم‌ترین شاخصه‌های اندیشه حروفی‌گری او محسوب می‌شوند به شرح زیر بررسی شود:

الف. اسطوره‌ی حروفی آفرینش در اندیشه‌ی مغیرة بن سعید و فرقه‌ی مغیریه

ب. بنیادهای گنوسی و فیثاغورسی در نگرش سمبلیک عددی – حروفی مغیرة بن سعید

ج. حروفی‌گری، تنجیم و جادوگری در اندیشه‌ی مغیرة بن سعید

الف. اسطوره‌ی حروفی آفرینش در اندیشه‌ی گنوسی مغیرة بن سعید و مغیریه

یکی از مسائل مهم در اندیشه‌ی ابن سعید مسئله آفرینش است. آفرینش و خلقت موجودات در آرای مغیرة بن سعید مبنی بر اسماء و حروف است که در رأس آن اسم اعظم قرار دارد. بررسی منابع و مآخذ، نشان می‌دهد که افکار و آرای مغیرة بن سعید در باب آفرینش انسان و

موجودات و قرار گرفتن آن‌ها در دایره‌ی هستی ترکیبی از آرا و اسطوره‌های کهن موجود در محیط فکری بین‌النهرین بوده و براساس تفکری حروفی و عددی بوده است. تجسم اندام‌وار و حروفی خداوند و تشبیه آن به صورتی انسانی با اندام‌های حروفی و آفرینش انسان و جهان از این اشکال اندامی- حروفی مهم‌ترین ویژگی اندیشه‌های حروفی مغیرة بن سعید است. براساس این اندیشه مغیرة بن سعید و پیروانش خداوند عزوجل را دارای اندام‌های مختلف تصور کرده‌اند. با این تفکر انسان‌انگارانه از رأس خداوند، رأسی که تاجی منور با ترکیبی از حروف اسم اعظم روی آن است، از قلب خداوند که منبع رویش و دانش و آگاهی است، از قدم‌های خداوند که به «الف» شباهت دارند، از چشم‌های خداوند که به «عین» شباهت دارند و از فرج او که به «ها» شبیه است، سخن گفته‌اند. در تصور کلی آن‌ها اعضای خداوند از نظر شکل و تعداد به اندازه‌ی حروف ابجد و الفباست و بر بنیادی حروفی استوار و حروف سرچشمه‌ی خلقت جهان و بشر است. آن‌ها بر این باورند که جهان و انسان انعکاس ارادی اندام‌های حروفی خداوند و سایه‌های او هستند.

چگونگی خلقت انسان و موجودات نظام آفرینش در اندیشه‌ی مغیرة بن سعید چنین ویژگی‌هایی دارد و عناصر متعددی از این تفکرات و اسطوره‌ها را در خود جمع کرده است. طبق اندیشه‌ی معتقدان به زروان آکرانه (خدای بیکران آفرینش ایرانیان)، آفرینش از اعضا و جوارح او و با انتخاب و اختیار خلق می‌شود (زینر، زروان یا معمای زردشتی‌گری، ۱۳۷۵، ۲۱۶ - ۲۲۷). در منابع تاریخی، ادیان و فرقه‌شناسی آمده است که مغیرة بن سعید معتقد بود که خداوند نظام کیهانی و انسان را از اعضا و جوارح خویش یا عرق و آب حاصل از آن آفریده است. اعضا و جوارح خالق در تصور و اندیشه‌ی ابن سعید بر بنیادی حروفی استوارند.

اشعری قمی می‌گوید: مغیرة بن سعید معتقد بود که اندام‌های خداوند در شکل و اندازه همانند حروف ابجداند:

"فرقه المغیریه... زعمت ان الله تبارک و تعالی عن مقالتهم فی صفته رجل علی رأسه تاج و ان له عز و جل اعضاء علی عدد أبی جیاد" (الاشعری القمی، ۷۷ ؛ المقریزی، ۱۴۱۸، ۱۷۶/۴) این نوع نگرش به آفرینش جهان از اعضا خالق و آفریننده را در آیین میترا و اندیشه‌ی میترائیسم هنگام کشتن گاو توسط مهر (مهر گاوسوار) ملاحظه می‌کنیم که چگونه از بدن و اعضای گاو در آیین میترا موجودات زنده، هستی می‌یابند. البته اسطوره‌های آفرینش در آیین زروان و میترائیسم با یکدیگر و آرای مغیریه تفاوت‌هایی دارند. تفاوت اساسی این اسطوره‌ها با

اسطوره‌ی آفرینش مغیرة این است که مغیرة بن سعید با اخذ و اقتباس عناصر دیگری از این آرا آن‌ها را بر بنیاد حروفی قرار داد و با عناصری از افکار تأویلی و گنوسی که متأثر از افکار حروفی سامیان بین‌النهرین و آرای حروفی- عددی فیثاغورسیان و نوافلاطونیان که تحت تأثیر اندیشه‌های کلامی مسیحیت و یهود بود، ترکیب کرد.

بررسی این افکار نشان می‌دهد که اندیشه‌های مغیرة بن سعید بر پایه‌ی ترکیبی از آرای گنوس زروانی، میترایی، مانوی، مانداییی و یونانی- مسیحی شکل گرفته است. نمونه‌های مختلفی از این اندیشه‌ها، تصورهای افسانه‌ای و اسطوره‌ای از خالق هستی در محیط عراق وجود داشته است. اسطوره آفرینش مذکور، شباهت‌های فکری بسیاری با افکار مختلف هندی، ایرانی، یونانی، سامی و عبری دارد. مفصل‌ترین گزارش‌ها درباره‌ی بنیاد حروفی اسطوره‌ی آفرینش مغیرة بن سعید که مبنی بر تجسم اعضا و جوارح خداوند و تناظر و هم‌شکلی این اعضا و جوارح بر اشکال حروف ابجد است در آثار فرقه‌نگارها انعکاس یافته است. این اندیشه‌ها در مقالات اسلامیین و الفرق بین الفرق و تاریخ الکامل ابن اثیر برجسته تر و مفصل‌تر از مقالات دیگر آمده است. (الاشعری، ابوالحسن، ۱۴۰۰، ۶- ۸ ؛ البغدادی، ۱۴۰۰، ۲۲۹- ۲۳۱ ؛ ابن اثیر، ۱۴۱۸، ۳/۴- ۴۵۲) اشعری آورده است که خلقت در اندیشه‌ی مغیره با «کلمه» و «اسم» آغاز می‌شود. با صدا زدن «اسم اعظم» که مجموعه‌ای از حروف ابجد است این اسم به عنوان رمز آفرینش به پرواز درآمده است. در آغاز آفرینش هیچ‌کس و هیچ‌چیز با خدا نبوده و چون خداوند اراده کرده است که اشیا را خلق کند با اسم آغاز کرد. اسم اعظم ابتدا و مبنای آفرینش و رمز انکشاف خلقت محسوب می‌شود و اراده‌ی خداوند هم با این اسم که ترکیبی از حروف الفبا است منشأ آفرینش می‌شود. این اسم به صورت تاجی از نور درمی‌آید. تاج سمبل قدرت، مدیریت و سلطنت است و نماد تاج‌گذاری خداوند برای اعمال قدرت بر جهان آفرینش است. او می‌گوید که چون خداوند اراده‌ی آفریدن کرد، اسم اکبر را صدا زد و اسم اکبر به پرواز در آمد: "فلما اراد إن یخلق الاشیاء تکلم باسمه الاعظم" (الاشعری، ۱۴۰۰، ۷) به این ترتیب سرآغاز آفرینش براساس حرکت «کلمه» و «اسم اعظم» که خود ترکیبی از حروف ابجد است آغاز شد و خداوند هنگام آفرینش به صورت انسانی با تاج و از جنس نور تجلی کرد. این تصویر کاملاً شبیه به تصویر مندائیان است؛ آن‌ها هم خداوند را به صورت سلطانی از نور تصور می‌کردند (Tucker, 2008, 61). گفته‌اند که ابن سعید به تجسم انسان‌وار و اندام‌وار خداوند معتقد بوده و گفته است خداوند همچون انسان اعضا و جوارحی به شکل حروف دارد و با

انگشت خویش گناه‌ها، نیکی‌ها و همه‌ی اعمال مردم را بر کف دست‌های خویش نوشته است. در اسطوره‌ی آفرینش ابن سعید دومین مرحله برای تکمیل خلقت اشیا و آفرینش، آگاهی خداوند از اعمال بشر است که آن‌ها را بر کف دست‌های خویش می‌نویسد. این اقدام به نوبه‌ی خود جنبه‌های حروفی و سمبلیک دارد. در این اقدام نمادین و حروفی خداوند از یک سو معاصی بشر را با کلک خویش بر لوح کف دستش می‌نگارد و از سوی دیگر خمیرمایه‌ی تکوین وجودی آن‌ها را با شناختی که از مجموعه معاصی و طاعات بشر دارد سرشته است. طبق آرای مغیرة بن سعید، خداوند آفرینش طبیعت را از ظل و سایه خود آغاز می‌کند، سایه ای که حاصل انعکاس قامت حروفی و تجسم‌یافته و انسان‌وار خداوند در دریای روشنایی است. این دریا نتیجه‌ی عرق شرم و خشم خداوند است. بنابراین بنیاد هستی‌شناسی و کیهان‌شناسی مغیرة بن سعید گنوس حروفی است. براساس این نظریه سرچشمه‌ی همه‌ی خلقت و حتی وجود و تجسم خدای بزرگ اسما و حروف است. کل وجود و همه‌ی اعضا و جوارح خداوند هم در شکل و هم در تعداد از مجموعه‌ای از حروف تشکیل شده است، بنابراین وجود حق‌تعالی یا امر قدسی از نظر مغیرة بن سعید چیزی جز حروف و اسم اعظم نیست. شناخت و تشخیص اسم اعظم یعنی شناخت خالق و همه‌ی هستی. خلقت جهان، آسمان‌ها، زمین، طبیعت، دریاها، ماه، خورشید و همه‌ی موجودات عالم هم به خاطر مشاهده‌ی کثرت معاصی انسان بوده است؛ زیرا از این مشاهده خمیرمایه‌ی هستی، یعنی دو دریای روشن و تیره که آفرینش براساس آن‌ها شکل می‌گیرد، به وجود می‌آید.

بر این اساس مغیرة بن سعید معتقد بود که به خاطر مشاهده‌ی کثرت معاصی انسان و در نتیجه‌ی عرق خشم و شرم خداوند دریایی پدید می‌آید که دو ماهیت کاملاً متضاد دارد؛ یکی دریای پاک، بی‌آلایش، روشن و گوارا و دیگری دریای تیره است این دو دریا سرچشمه‌ی خلقت و مبنای دو گونه آفرینش در اشیا و هستی انسانی است. (ابن اثیر، ۱۴۱۸، ۴– ۴۵۳ ؛ الشهرستانی، بی‌تا، ۱۸۰– ۱۸۱ ؛ المقریزی، ۱۴۱۸، ۱۷۶/۴)

ابتدا سایه‌ی خداوند در دریای روشن منعکس می‌شود. این سایه انعکاسی از حقیقت حروفی و ظل حروفی خداست. البته این سایه نتیجه‌ی تجلی خدا در دریای پاک و آیینه‌سان اعمال خیر آدمی است. از آنجا که دریای روشن تصویری از سایه‌ی خداوند را منعکس می‌کند، خداوند از سایه‌ی خویش در این دریا، ماه، خورشید و آسمان را آفرید؛ سایه‌ای که حاصل انعکاس در روشنایی و پاکیزگی بوده است. آنگاه انسان‌ها را براساس سرشت دوگانه‌ی نیک و بدشان از

دو دریای آغازین آفرید؛ انسان‌های پاک، پاکیزه، نیک و مؤمن را از دریای شیرین و گوارا و پاکیزه و انسان‌های ناسالم، شرور، کافر و گنهکار را از دریای ناسالم و شور. خداوند این انسان‌ها را با سرشت کور و تاریکش آفرید. مغیره تمام کسانی را که مخالف باورهای غالیانه او بودند در شمار کفار و انسان‌هایی که خارج از حلقه‌ی آفرینش سرشت پاکشان هستند قرار می‌داد (الشهرستانی، بی‌تا، ۱۸۰ ؛ البغدادی، ۱۴۰۰، ۲۳۰ ؛ الاشعری، ۱۴۰۰، ۷).

بنابراین تصورات، آفرینش در اسطوره‌ی مغیرة بن سعید بر تفکر دوئالیسم خیر و شر بر پایه‌ای متضاد استوار است. این تضاد، تضاد سایه و حقیقت، تاریکی و روشنایی و دریای آغازین شیرین و دریای آغازین شور است و نتیجه‌ی شناخت الهی از طاعات و معاصی انسان، تضاد حقیقت و سایه و ظاهر و باطن است. تضاد میان مثل و حقیقت وجودی خداوند با سایه‌ی تجسم و تجلی‌یافته‌اش در دریای روشنایی است. در این جدال و تضاد، خداوند سایه‌ی خویش را در دریای روشن برنمی‌تابد بنابراین سایه‌اش را قربانی می‌کند و از "عین" چشم‌های سایه‌اش آسمان‌ها، خورشید و ماه را می‌آفریند و سپس بقایای سایه‌ی خویش را که مانند باطن و حقیقت جسم او بر اشکال حروفی استوارند، نابود می‌کند؛ زیرا وجود خدای شبیه خود را قابل تحمل نمی‌داند. در واقع جدال خداوند با سایه‌اش در این اسطوره راهی برای رفع تضاد و دوگانگی و وصول به وحدت است. این مسئله در نهایت با اراده‌ی حقیقت وجودی خداوند و غلبه او بر سایه‌اش به آفرینش در آسمان‌ها و زمین منجر می‌شود و خداوند با استفاده از تجلی حروفی‌وار سایه‌ی خود و نابود کردن بقایای اعضا و جوارح آن به وحدت می‌رسد؛ وحدتی که حاصل غلبه‌ی مثل بر سایه و باطن بر ظاهر است (الاشعری، ابوالحسن، ۱۴۰۰، ۶ – ۷).

در واقع اسطوره‌ی حروفی آفرینش به این شکل بازتاب شکل جدیدی از افکار و آرای گنوسی و شناخت میراث حوزه‌های فکری کهن عراق در اندیشه‌ی مغیره بن سعید است. (570- 569، 2002، Tucker, 2008, 60-61; E.B) بررسی سرچشمه‌های این اندیشه نشان می‌دهد که آرای ایرانی، بین‌النهرینی و فیثاغورسی با هم تلفیق شده‌اند. یکی از وجوه مهم اندیشه‌ی شناختی مغیرة بن سعید که به نحو تمام‌نمایی آیینه‌ی اندیشه‌های گنوسی و مواریث کهن فکری و آیین‌های پر رمز و راز ایرانی و بین‌النهرینی محسوب می‌شود، شباهت‌های اسطوره‌ی آفرینش ابن سعید با اسطوره‌های مانوی، زروانی و میترایی است. با بررسی دقیق‌تر و رمزشکافی روشن می‌شود که تصورات شناختی مغیرة بن سعید در باب آفرینش و خلقت از عناصر و مؤلفه‌های اساسی تفکرات مربوط به اسطوره‌های آفرینش در محیط عراق و بین‌النهرین برگرفته شده است. بنیاد

اسطوره‌ی آفرینش در اندیشه‌ی مغیرة بن سعید همچون اسطوره‌های آفرینش در میان مردم بین‌النهرین کهن بر آب، دریای آغازین و خاموش بنا شده است. طبق این اسطوره‌ها تمام هستی و خلقت جهان، زمین و آسمان‌ها از آب نشأت گرفته است. (هنری هوک، ۱۳۷۸، ۲۴– ۲۵) در آرای اساسی و اندیشه‌های بنیادین سومریان باستان آفرینش از آب آغازین سرچشمه می گیرد. اندیشه‌ی بنیادین آب آغازین خود حاصل نوعی جدال و دوئالیسم میان دو محور متضاد خدای روشنایی و نیکویی با خدای کوری و شرارت است. اندیشه‌ی ابن سعید درباره‌ی به وجود آمدن دو دریای شور و شیرین و تیره و روشن هم متأثر از محیط سومری و بین‌النهرینی و هم متأثر از دوئالیسم ایرانی با محوریت دو نیروی نیکی و بدی است. جدال این دو نیرو به رهایی نیروی نیکویی می‌انجامد. در این اسطوره هم در میدان جدال آب که مایه‌ی هستی‌بخش آفرینش محسوب می‌شود، روشنایی از چنبره و سیطره‌ی خدای شرارت و ظلمت رهایی می‌یابد و خدای نیکویی و خوبی بر تمام پهنه‌ی آب‌ها و خوبی‌ها مسلط می‌شود.

بررسی بسیاری از اسطوره‌های بین‌النهرین و آسیای غربی سراسر سواحل دریای مدیترانه نشان می‌دهد که آب به عنوان موضوع و بن‌مایه‌ی آفرینش نقشی مهم و اساسی دارد. ماده‌ی نخستین آفرینش در این فرهنگ‌ها و باورها به ویژه در فرهنگ عبری، یهودی، سامی، عربی و ایرانی که منبع زایش و خلقت محسوب می‌شود هیولای آب است که نقش خاصی در آفرینش ایفا می‌کند. اعتقاد به هیولای ازلی و آغازین که خالق، جهان هستی را براساس آن و از اجزای آن خلق می‌کند جزوی مهم از ترکیب عناصر و مؤلفه‌های این اندیشه هاست. (عهد قدیم، سفر پیدایش، ۱ : ۲ ؛ گریمال، ۱۳۶۷، ۱۵، ۱۹).

از مولفه‌های موجود در اندیشه‌ی سومریان باستان چنین بر می‌آید که طعم آب و شیرینی آن عناصر مهم و مضامین اساسی در اسطوره‌ی آفرینش سومریان بوده است و اعتقاد به هیولای ازلی که خالق، جهان هستی را از اجزای بدن آن آفریده جزئی از این اندیشه است (همان‌جا). آب آغازین و دریای ازلی در اندیشه‌ی اسطوره‌ای و هستی‌شناسی سومریان به عنوان مادر آسمان‌ها و زمین به شمار می‌آید. آب، مادر همه‌ی خدایان و مادر خدای بزرگ قلمرو زندگی و حیات بشر محسوب می‌شود و اوست که نظم و ترتیب خاصی به این قلمرو بخشیده است. سومریان این مادر خدا را "انگی" می‌نامیدند . (هوک ؛ ۱۳۸۱، ۳۱– ۲۷)

علاوه بر سومریان باستان، بابلی‌ها به عنوان سازنده‌های یکی از تمدن‌های کهن بشری در سرزمین بین‌النهرین که آثار و افکارشان به عنوان میراث فکری مهمی در عراق باقی مانده است

در تولید چنین اسطوره‌ای در مورد خلقت و هستی مؤثر بوده‌اند. در اسطوره‌ی آفرینش بابلی "اله تیامات" که بن‌مایه‌ی خلقت است، همان دریای آغازین است که خداوند، هستی را با آن وجود می‌بخشد، خداوند از اجزا و پیکره‌ی دریای آغازین آسمان و زمین را درست به همان صورتی که در اندیشه‌ی اسطوره‌ای آفرینش سومریان آمده است، خلق می‌کند (گریمال، ۱۳۶۷، ۱۵ و ۱۹)، اسطوره‌ی خلقت و کیهان‌شناختی در تمدن‌های ایرانی هندی، سومری و بابلی شباهت زیادی به هم دارند. اسطوره‌ی کیهان‌شناختی و هستی‌شناختی که در آرای مغیرة بن سعید و اسطوره‌ی آفرینش مورد نظر او مطرح می‌شود در بسیاری از موارد شبیه به عناصر و مؤلفه‌های اسطوره‌ی آفرینش و کیهان‌شناختی ایرانیان، هندیان به‌ویژه سومری‌ها و بابلی‌ها است، چنانکه عناصر فکری و آرای او با اسطوره‌ی پورشا در آیین ودا، اسطوره‌ی آفرینش در اندیشه‌ی مانی، اسطوره‌ی آفرینش در آیین زروانی، آب آغازین و مادر آفرینش "انگی" در اندیشه‌ی سومریان و دریایی بنیادین و "الهه‌ی تیامات" در اندیشه‌ی بابلی‌ها همگی از سرچشمه‌ها، اهداف، نگرش و بینش‌های مشترکی نشأت گرفته و عناصری هم از افکار مندائیان اخذ شده است. چنان‌که گفته شد تاکر معتقد است که تجسم تاج نورانی که مغیره و اصحابش در اسطوره‌ی آفرینش مطرح می‌کنند از عناصر مندایی اخذ و اقتباس شده است (Tuker, 2008, 61). او می‌گوید مندائیان هم خدای خود را همچون مردی تصور می‌کردند که تاجی نورانی بر سر دارد. بنابراین افکار مغیرة بن سعید در اسطوره‌ی آفرینش و خلقت انسان به عنوان یکی از غلاة شیعه به شدت از آرا و ایده‌های رایج در بین‌النهرین که محل ترکیب و التقاط بسیاری از این آرا در باب آفرینش و کیهان بود، متأثر شد. مغیره آن‌ها را با تجسم، حروفی‌گری و برخی برداشت‌های اسلامی و مورد نظر غالیانه خود در هم آمیخته است.

ب. بنیادهای گنوسی و فیثاغورسی در نگرش سمبلیک عددی- حروفی مغیرة بن سعید

یکی از عناصر حروفی اندیشه‌ی مغیرة بن سعید برقراری یک ارتباط و نگرش سمبلیک اعدادی با حروف است. عقیده به معانی رازآمیز و مستور برای حروف و اعداد در میان ملل بشر سابقه‌ی فراوانی دارد. این عقیده در میان حکما و فیلسوف‌ها سابقه‌ای دیرینه دارد. در یونان از عهود نخستین به ویژه با ظهور فیلسوف و اندیشمند ماقبل ارسطویی، فیثاغورس، اعداد معانی رمزی، سری، دینی و سیاسی داشتند. جمعیت سری که فیثاغورس بر اساس اعداد بنا کرد از ریاضیات و معانی رمزی و سری آن بهره می‌گرفت (جان ناس، ۱۳۸۰، ۵۶۳ – ۵۶۴ ؛ فروغی،

۱۳۶۰، ۸ –۱۰ ؛ حنا الفاخوری و ....، ۱۳۷۷، ۳۴ – ۳۵) در میان باورمندان یهود هم عقیده به معانی مستور در کتاب عهد عتیق و دقت برای کشف رموز الهی افکار عجیب و غریبی بود در کلام و فلسفه یهود پدید آورد. آن‌ها معتقد بودند که اعداد و حروف معانی مخفی، رمزی و عرفانی دارند. بر اساس این عقیده، بینش عددی و عرفانی در میان جامعه‌ی یهودیان بر مبنای مکتب هلاخای و دستورنامه‌ی جادویی و رمزی "زوهر" متداول بود. چنین بینشی بعدها به صورت یک جنبش فکری نیرومند و شگفت‌انگیز که قباله یا کابالیسم یهود نامیده شد درآمد (آشتیانی ۱۲۷۵، جان ناس، ۱۲۸۰، ۵۶۳ ؛ انترمن، ۱۳۸۵، ۱۵۸–۱۶۰ ؛ ممتحن، ۱۳۷۵).

اتخاذ معانی نمادین و سمبلیک برای اعداد و حروف پیشینه‌ی کهنی در میان ملل و ادیان دارد، اما در اسلام سابقه‌ی آن به طور دقیق به اواخر عهد امویان می‌رسد. ابوهاشم عبدالله بن محمد حنفیه را در عهد امویان اولین کسی دانسته‌اند که برای عدد دوازده رمز و راز خاصی در نظر و در اندیشه‌ی سیاسی خویش از آن بهره گرفت و جنبش سیاسی مذهبی‌اش را بر مبنای آن بنا کرد. عباسیان این اندیشه را از او را به ارث بردند. (بهرامی، ۱۳۸۳، ۵۲۲– ۵۲۱) مغیرة بن سعید که در برخی موارد مبلغ ابوهاشم بود به طور گسترده‌ای خالق چنین افکاری است. اگر چه آغاز تفکر عددی و رازورانه را در قالب عدد ۱۲ به ابوهاشم نسبت می‌دهند اما باید ابن سعید را مبتکر ترکیب دو بینش عددی و حروفی در تاریخ اسلام و بنیان‌گذار اولین مکتب حروفی در اواخر قرن اول و اوایل قرن دوم قلمداد کرد. او در سنت، آرا و اندیشه‌هایش از اعداد یک (۱)، هفت (۷)، هفده (۱۷) و بیست و هشت (۲۸) به عنوان نماد عددی حروف ابجد و از برخی اعداد دیگر به صورت سمبلیک و حروفی به طور گسترده‌ای بهره گرفته است و ارزش نمادین هر یک از اعداد را در افکار و اندیشه‌های خود به کار گرفته و آن‌ها را با نمادهای حروفی و الفبایی در هم آمیخته است. سابقه‌ی فکری و میراث عرفانی و گنوسی محیط عراق بیانگر آن است که مغیره بن سعید به‌طور قطع از مواریث فکری کوفه و عراق که محل تلاقی آرای عددی و کانون‌های علمی، ریاضی و نجوم مندائیان، مانویان، سومریان، حرانیان، ایرانی‌ها، هندی‌ها و یونانی‌ها بود، بهره‌مند شده است.

بررسی آرای حروفی مغیرة بن سعید نشان می‌دهد که برخی از عناصر عددی و ریاضی که ویژگی اندیشه‌های سامیان بین‌النهرین و یونانیان باستان است با اندیشه او ترکیب شده است. مغیرة بن سعید در اندیشه‌ی تجسم و تشبیه خداوند از ترکیب دو بینش و تفکر عددی و حروفی بهره گرفت و در عهد امویان بینشی مخصوص که نتیجه‌ی در هم‌آمیختگی افکار

هرمسی، تأویلی و گنوسی با ریاضیات است پدید آورد. از قدیم‌الایام این‌گونه افکار در میان گنوسی‌مسلکان که بر آیین فیثاغورسیان بودند رواج داشت و این اندیشه‌ها به ویژه در میان بقایای حرانیان، یهودیان و سومریان در عراق متداول بود. یا کمی دقت مشخص می‌شود که بنیاد فکر اسطوره‌ی آفرینش مغیره هم حروفی است و هم عددی و حروف و اعداد متناظر بر یکدیگرند. حروف ابجد با عدد ۲۸ که به عنوان عدد بنیادی که تعداد اعضا و جوارح خالق بر آن استوار است، انطباق دارد. اسم اعظم هم به عنوان نخستین کلمه‌ی بنیادی در اسطوره‌ی آفرینش مغیره بن سعید اساسی حروفی- عددی دارد.

در این اسطوره تعداد حروف ابی‌جاد که عدد ۲۸ است مبنای اندیشه‌ی حروفی- عددی مغیرة بن سعید است. نخستین کلمه یعنی اسم اعظم هم که نخستین کلمه‌ی آفرینش محسوب می‌شود مشتمل بر ۱۷ حرف است که در اندیشه‌ی فرجام‌شناسانه و موعودگرایانه ابن سعید و در پیروزی موعود مورد انتظار و در اندیشه‌ی همراهانش که برای ایجاد عدالت آخرالزمانی تلاش می‌کنند نقش اساسی دارد. (الاشعری، ۱۴۰۰، ۹، البغدادی ۱۴۰۰ ؛ ۲۳۲) مغیرة ابتدا در موضوع آفرینش به واحد که غیر او کس دیگری نبوده است اشاره می‌کند و می‌گوید که او جهان را از عدم به وجود آورده است.

مغیرة بن سعید علاوه بر بهره‌گیری از ارزش‌های نمادین و سمبلیک دو عدد ۱۷ و ۲۸ در اسطوره‌ی آفرینش خود با تکیه بر بنیادی دوانگارانه از ارزش عدد ۲ به عنوان بنیاد آغازین خلقت که بر دو عنصر خوبی و بدی، حقیقت و سایه، شوری و شیرینی، تیره و روشن استوار است بهره می‌گیرد. در واقع دوئالیسم بنیادی اسطوره‌ی آفرینش ابن سعید از یک سو بر تضاد و جدال و از سوی دیگر به زایش و خلقت آفرینش نظر دارد که در نهایت به غلبه‌ی حقیقت بر سایه و در نتیجه به آفرینش و زایش می‌انجامد. (البغدادی ۱۴۰۰، ۲۳۰) این آرا بر بینشی دوانگارانه و دوگانه استوار است. در واقع عدد دو (۲) اساس آفرینش را در اندیشه‌ی مغیره تشکیل می‌دهد. او رهایی و نجات را در این تضاد و جدال جستجو می‌کند. این همان اندیشه و راهی است که مکتب‌های گنوسی، مانوی، مندایی، مرقیونی و فیثاغورسی در جستجوی آن بودند.

مغیره از ارزش‌های نمادین عدد واحد (۱)، عدد (۲) و عدد (۲۸) که تعداد حروف ابجد در اسطوره‌ی آفرینش هستند و از اعداد ۱۷ و ۵۱ در مسئله‌ی انتظار و موعودگرایی بهره فراوان می‌گیرد و آن را در خدمت فعالیت‌های سیاسی و مذهبی خود قرار می‌دهد. به‌این ترتیب حروف و ارزش‌های نمادین و عددی آن در آفرینش و با مهدویت و رجعت در اندیشه‌ی مغیرة

بن سعید عجلی پیوند خاصی می‌یابند.

یکی از جریان‌های سیاسی و فکری برخاسته از تفکر مغیرة بن سعید اعتقاد به مهدویت محمد نفس زکیه «محمدبن عبدالله حسن بن حسن بن علی ابن ابی طالب (ع)» است. پیروان این فرقه بر این باور بودند که مغیرة بن سعید به مهدویت محمد نفس زکیه اعتقاد داشته است. این گروه مدعی بودند که محمد نفس زکیه نمرده است بلکه شیطان بر صورت او ظاهر شد و این شیطان در سال ۱۴۵ هجری قمری به دست منصور خلیفه‌ی عباسی کشته شد. (البغدادی، ۱۴۰۰، ۲۳۳ ؛ الاشعری (ابوالحسن) ؛ ۱۴۰۰ ؛ ۹) در اندیشه و تصور این گروه محمد نفس زکیه زنده است و در فرجام جهان بازمی‌گردد یا از غیبت بیرون می‌آید و همراه برگزیدگانی که ۵۱ تن هستند برای برقراری عدالت فرجامین و نجات جهان می‌جنگند. هانری کربن در تاریخ فلسفه‌ی اسلامی می‌گوید که مغیرة بن سعید معتقد بود که این ۵۱ تن برگزیده که همراه محمد نفس زکیه دوباره رجعت خواهند کرد، صوفیان برگزیده‌ای هستند که همگی از سه دریای حروفی، دریایی که به دریای "عین" معروف است، دریایی که دریای "میم" نام دارد و دریای که با نام دریای "سین" شناخته می‌شود، سیرابند. این ۵۱ تن از این سه دریا فیض می‌برند و در دروازه‌های شهر حران که مرکز فرقه‌ی مندائیان و صابئین و یکی از مهم‌ترین مراکز اندیشه‌ی فیثاغورسیان و گنوسی‌مسلکان است به مراقبت و نگهبانی مشغول‌اند. (هانری کربن، ۱۳۶۱ ؛ ۱۸۴) این نمادهای سه‌گانه‌ی حروفی، یعنی تثلیث سه حرف "عین"، "میم" و "سین" از حروف مورد توجه مغیرة بن سعید است. او در اسطوره‌ی آفرینش خویش از حرف "عین" به عنوان سنبل و نماد چشم‌های سایه‌ی خداوند که در دریای روشن آغازین انعکاس یافته است، استفاده می‌کند و معتقد است خداوند از "عین" سایه‌ی خویش، ماه و خورشید یا آسمان را آفریده است. "عین" از دیدگاه فرق غالی حروف نخست اسم علی بن ابی طالب (ع) به شمار می‌رود و فرق "عینیه" براساس همین اندیشه به خدایی و الوهیت علی بن ابی طالب (ع) معتقدند. حرف "میم" مورد توجه فرقه‌ی دیگری از زیدیه است که به امامت و مهدویت محمد نفس زکیه قائل بودند. مغیره بن سعید با این فرقه مرتبط بود. حرف "میم" حروف اول اسم محمد (ص) پیامبر اسلام است و حرف "سین" حرف اول اسم سلمان فارسی است. سلمان فارسی از سلسله‌جنبانان عرفان اسلامی و از اقطاب طریقت‌های صوفیه بود. سه حرف "میم"، "عین" و "سین" نماد سه شخصیت بزرگ اسلام در فرق غالی و گنوسی شیعی است. (مشکور، ۱۳۷۵، ۲۳۳ و ۲۴۶) فرقه‌ی مغیریه و مغیره بن سعید به ارزش‌های حروفی سمبلیک این سه

حرف توجه خاصی داشتند. بعدها برخی فرق دیگر همچون نصیریه و نمیریه سلمان فارسی را حلقه‌ی اتصال بین "میم" و "عین" یعنی محمد (ص) و علی (ع) دانستند و سلمان را حامل وحی قلمداد کردند (تاریخ کمبریج، ۱۳۷۲؛ ۴ /۳۸۸ ؛ مشکور، همان‌جا).

عدد هفده (۱۷) در ترکیب و تلفیق حروف مورد نظر مغیریه و در اندیشه‌ی حروفی- عددی مغیرة بن سعید، کارکردهایی دارد. ابن سعید و پیروانش مروّج این عقیده بودند که عدد هفده (۱۷) نماد برگزیدگی و رجعت است. در اندیشه‌ی موعودگرایانه و آخرالزمانی مغیرة بن سعید و فرقه‌ای از هواداران او که از فرق زیدیه بودند و به مهدویت محمد بن عبدالله بن حسن اعتقاد داشتند، عدد ۱۷ نقش مهمی دارد. آن‌ها به بازگشت و مهدویت محمدبن عبدالله بن حسن معتقدند و بر این باورند که او همان کسی است که پیامبر مژده‌اش را داده است. عده‌ای از پیروان مغیره پس از کشته شدن محمد نفس زکیه به دست منصور در سال ۱۴۵هـ‌ق همچنان اندیشه‌ی مهدویت او را ترویج دادند و به انکار قتل محمد نفس زکیه پرداختند. مغیریه با بهره‌گیری از اندیشه‌ی انتظار و رموز حروفی و عددی مدعی شدند که محمدبن عبدالله همچنان زنده است و در آخرالزمان هر وقت که اراده خدا باشد ظهور می‌کند. ۱۷ تن از بزرگان و برگزیدگان هم با او به دنیا باز می‌گردند. مهدی موعود به هر یک از آن‌ها حرفی از حروف اسم اعظم را اعطا خواهد کرد تا با قدرت و نیروی باعظمت این حروف دنیا را مسخر کنند. "له سبعة عشر رجلاً یُعطی کل رجل منهم کذا و کذا حرفاً من الاسم الأعظم فیهزمون الجیوش و یملکون الارض"(الاشعری، ۱۴۰۰، ۹).

تعداد رجعت‌کننده‌ها با تعداد حروف اسم اعظم تناسب و تناظر دارد؛ زیرا به هر یک از این هفده برگزیده حرفی از حروف اسم اعظم داده می‌شود و آن‌ها با قدرت اسرارآمیز حروف اسم اعظم نیروی لشکرها و سپاهیان خصم را در هم می‌شکنند و با اعجاز و توانایی درونی این حروف هفده‌گانه دشمنان را شکست می‌دهند و بر سراسر زمین غلبه می‌یابند (الاشعری، همان‌جا، البغدادی، ۱۴۰۰، ۲۳۲).

نمونه دیگری از تقدس‌بخشی به اعداد در جریان جنبش سیاسی- مذهبی مغیرة بن سعید در عراق اتفاق افتاد. این جنبش در سال ۱۱۹ هـ‌ق با همراهی چند تن از رهبران غالی شیعه روی داد. براساس مستندات منابع مغیرة بن سعید در این جنبش از شعبده، جادوگری و اندیشه‌های نمادین عددی و حروفی خود مدد گرفت. بنا به گزارش‌های موجود تعداد همراهان مغیره که رهبری جنبش غالی را به عهده داشتند. هفت (۷) تن بوده است. این هفت تن همه از شیوخ و

برگزیدگان مورد اعتماد مغیریه بودند و مغیره آن‌ها را "وصفا" نامیده است (الطبری، ۱۴۰۴/۴، ابن اثیر، ۴۲۹/۴ ؛ نویری، ۹ / ۹– ۳۸۴). به این ترتیب او عدد هفت (۷) را نماد رهبری جنبش سیاسی– مذهبی خویش قرار داد و اولین کسی بود که میان مسلمان‌ها از رموز نمادین عدد هفت پرده برداشت (الشیبی ؛ ۱۳۸۰ ؛ ۲۴ حقیقت ۱۳۷۵، ۲۶۹ ؛ دفتری ۱۳۷۶، ۸۸).

گفته شده است تعداد کسانی که در سال ۱۱۹ هـ‌ق در عراق ابن سعید را در قیام علیه خالد بن عبدالله قسری همراهی کردند ۵۰ تن بوده است. ابوالمعالی در بیان‌الادیان می‌گوید که «خروج مغیره در آن روزگار بود که خالدبن عبدالله البشری (القسری) امیر کوفه بود. او مردی فصیح و خطیب بود و گویند او روز آدینه در منبر کوفه بود و خطبه می‌خواند که مغیره با ۵۰ تن در مسجد جامع خروج کرد» (علوی بلخی، ۱۳۶۷، ۱۱۳) انتخاب هفت نفر به عنوان رهبر در روز هفتم هفته (یعنی روز آدینه) و همراهی پنجاه تن با مغیره که در مجموع ۵۱ نفر می‌شدند اهمیت عدد ۷ و ۱۷ را در اندیشه‌ی عددی و حروفی ابن سعید و نقش نمادین و سمبلیک این اعداد و اهمیت آن‌ها را در جریان قیام غلات شیعه کوفه نشان می‌دهد. شناخت ارزش نمادین عدد ۵۱ و ارتباط آن با ۵۱ تن برگزیده‌ی آخرالزمان با شناخت ارزش عدد ۱۷ به عنوان نماد حروف اسم اعظم مرتبط است و به این روش می‌توان ارتباط نمادین و قدسی عدد ۱۷ و ۵۱ آخرالزمان را در اندیشه‌ی ابن سعید کشف کرد. بر این اساس عدد ۱۷ مقام ویژه‌ای در اندیشه‌ی ابن سعید دارد و بسیار سری و نمادین است این عدد یکی از اعداد مهم و بنیادین در مرکز اندیشه‌ی عددی– حروفی ابن سعید است و رموز، قداست و اهمیت خاصی دارد. نقش آخرالزمانی آن در موعودگرایی و رجعت و پیوند آن با تعداد حروف مرکب اسم اعظم خداوند خصلتی رازآمیز و اعجازآفرین بر قاموس آن می‌پوشاند. قدرت نمادین عدد هفده (۱۷) تسخیرکننده است؛ زیرا اسم اعظم با هفده حرف خود سلاح برنده‌ای در اختیار رجعت‌کننده‌ها قرار می‌دهد. در واقع اسم اعظم و حروف ۱۷ آن کلید فهم اسطوره‌ای آفرینش، جهان‌شناسی، موعودگرایی و فرجام‌شناسی دنیوی ابن سعید است. این هفده نفر همراه موعود مورد نظر مغیریه بازمی‌گردند و فرجام جهان مورد انتظار را رقم می‌زنند. فرقه‌ی "میمیه" که منسوب به محمد نفس زکیه است هم به رجعت و بازگشت ۵۱ تن از برگزیدگان صوفیه و عارفان مورد نظر خودش اعتقاد دارند. با بررسی و دقت در عدد پنجاه و یک (۵۱) و عدد هفده (۱۷) در می‌یابیم که عدد ۵۱ ترکیبی سه‌گانه از عدد ۱۷ است: ۵۱ = ۱۷ + ۱۷ + ۱۷ به نظر می‌رسد که بین سه دریای نمادین سیراب‌کننده و هر یک از حروف سه‌گانه‌ی مورد نظر مغیرة بن

سعید: "عین"، "سین"، و "میم" با ۵۱ صوفی برگزیده که در آخرالزمان رجعت می‌کنند، پیوستگی نمادین خاصی وجود دارد که از افکار کهن متداول در نزد مندائیان و گنوسیان عراق سرچشمه گرفته است. اعتقاد مغیره بر این‌که پنجاه و یک (۵۱) تن برگزیده از سه دریای "عین"، "سین" و "میم" سیرابند. مغیریه را بر آن داشته است که برگزیدگان مذکور نگهبان‌های شهر حران، مرکز باورمندان مندائی هستند. (کربن، ۱۳۶۱، ۱۸۴) هریک از دریاهای سه‌گانه‌ی "عین" علی، "میم" محمد و "سین" سلمان با عدد ۱۷ مناسبات نمادین خاصی دارند. همچنین این سه نماد حروفی به ۵۱ تن برگزیده که در آخرالزمان رجعت می‌کنند تناسب معنایی و عددی ویژه‌ای می‌بخشند و هر کدام نماد ۱۷ زبده‌ی برگزیده هستند. عدد پنجاه و یک (۵۱) ترکیب و جمع سه‌گانه‌ی عدد هفده (۱۷) است که با سه حرف سیراب‌کننده یک عدد مقدس دیگر یعنی عدد ۵۴ را می سازد. حلول این اندیشه و توسعه‌ی ارزش نمادین و رمزی این عدد را می‌توانیم در تفکر اعدادی و حروفی اسماعیلیه پیدا کنیم. تعداد رسائل اخوان‌الصفا دقیقاً ترکیبی سه‌گانه از عدد هفده (۱۷) است که در مجموع ۵۱ رساله را تشکیل می‌دهد. بعدها اخوان‌الصفا سه رساله‌ی دیگر را به رسائل (۵۱) پنجاه و یک‌گانه خود اضافه کردند و تعداد رسائل خود را به (۵۴) پنجاه و چهار رساندند (رسائل اخوان‌الصفا، ۱۴۲۶، ۴۴۱– ۴۵۳ ؛ نصر، ۱۳۷۷، ۶۷– ۶۸).

بررسی پیشینه‌ی افکار عددی و حروفی نشان می‌دهد که عدد ۱۷ از مبانی مهم تفکر فیثاغورسیان است که نماد و حکمت‌های فراوانی دارد. در واقع عدد ۱۷ از نظر فیثاغورسیان کلید فهم طبیعت محسوب می‌شود (نصر ۱۳۷۷، ۶۷– ۶۸). افکار فیثاغورسیان از طریق مکتب نوافلاطونی و مکاتب گنوسی، مندایی، مرقیونی و مانوی در بین‌النهرین متداول بود. این امر به خوبی نشان می‌دهد که تفکر عددی و حروفی مغیرة بن سعید بر آرای فیثاغورسیان استوار است چنان که در اندیشه‌ی اسطوره‌ی آفرینش حروف اسم اعظم که برابر با عدد ۱۷ است، سرآغاز آفرینش می‌شود. عدد ۵۱ به عنوان نماد برگزیدگان آخرالزمان ترکیب سه‌گانه‌ای از عدد ۱۷ است. تطابق عدد ۱۷ با تعداد حروف اسم اعظم و مجموعه‌ی برگزیدگان رجعت‌کننده‌ی همراه موعود مورد نظر مغیرة بن سعید و مغیریان که همگی مسلح به حروف هستند، نشان‌دهنده‌ی جایگاه عدد ۱۷ و حروف هفده‌گانه و نقش کلیدی، نمادین و اسراری آن‌ها در خلقت، طبیعت و در نهایت در اندیشه‌ی فرجام‌شناسی موعودگرایانه مغیریان است. این‌گونه افکار رمزی و عددی– حروفی ابن سعید الهام‌بخش افکار سمبلیک حروفی و مذهبی غلات شیعه، اسماعیلیان

و اخوان‌الصفا است. اسماعیلیه نخستین از اندیشه‌ی دوگانه‌گرای مغیرة بن سعید در مورد حقیقت و سایه، ظاهر و باطن هم تأثیر پذیرفته است (دفتری، ۱۳۷۶، ۲۵، ۸۸، ۹۱–۹۰ ؛ لوئیس، ۱۳۶۳، ۳۵). اسماعیلیه، نصیریه و نمیریه از اندیشه‌ی عددی به ویژه از تقدس‌بخشی عدد ۱۷ متأثر بودند، رسائل پنجاه و چهارگانه‌ی اخوان‌الصفا منسوب اسماعیلیه است. (نصر، ۱۳۷۷، ۶۷– ۶۸؛ کمبریج، ۱۳۷۲، ۳۸۸/۴) این بازی‌های حروفی و عددی بیش از همه از تفکرات افلاطونی، فیثاغورسی متداول در میان مندائیان و حرانیان عراق متأثر بوده است. (کربن، ۱۳۶۱، ۱۸۴ ؛ Tuker ،2008 ،59-60) ابن سعید علاوه بر بهره‌گیری از آرای نوافلاطونی و فیثاغورسی متداول در عراق از ویژگی‌های نمادین حروف و اعداد و افکار و خصلت‌های جادوگرانه و اعجازی حروف و اعداد که سرچشمه‌های سامی، یهودی و یونانی دارند استفاده کرد و آن‌ها را به هم پیوند داد. در مبحث بعدی به شناسایی سرچشمه‌های تفکر او در این زمینه که بخش مهمی از اندیشه‌ی حروفی او و پیروانش محسوب می‌شود می‌پردازیم.

ج. حروفی‌گری و جادوگری و تنجیم در اندیشه‌ی ابن سعید

یکی دیگر از وجوه و ابعاد اندیشه‌ی حروفی‌گری پیوند نمادهای حروفی و عددی با امور خارق‌العاده و نیروهای مرموز و شگفت‌انگیز حروف در اندیشه‌ی حروفیان است. این امر در آرای فیثاغورسیان و نوافلاطونی‌ها با امور خارق‌العاده و شگفت‌انگیز و ادعاهای مخفی و غیرعادی و اسرارآمیز، در آیین میترا با نجوم و فلکیات و در اندیشه‌ی سامیان قدیم بین‌النهرین و یهودیان با ساحری و جادوگری آمیخته شده است (جان ناس، همان، ۴– ۵۶۳ ؛ حنا الفاخوری، ۱۳۷۷، ۳۴ ؛ ورمارزن، ۱۳۸۰، ۱۵۷– ۱۵۸ و ۱۶۷– ۱۶۸). مغیرة بن سعید در عصر امویان نخستین فرد اصحاب فرق و آرا است که این ایده‌ها را در میان مسلمانان متداول کرد و افکار و آرای گنوسیان را با نجوم و دانش فلکیات در هم آمیخت و با نظریات جدید خود در باب تجسم و تشبیه خداوند همراه کرد و در نهایت با رموز حروفی و عددی و اشکال سماوی در آفرینش ماه و خورشید پیوند داد. بر اساس آرای مغیرة بن سعید خداوند همانند انسان جسمی دارد و اعضا و جوارح جسم او به تعداد حروف ابجد است. اعضا و جوارح خداوند از نظر حدود و شکل همانند حروف الفبا هستند، بنابراین هم در شکل و هم در تعداد با هم همسان و برابرند و قدرت سحرانگیز و فوق‌العاده‌ای دادند. خلقت جهان به ویژه اشکال و کرات سماوی در مواردی از صور حروفی ناشی می‌شوند. او معتقد بود که "عین" نماد چشم مثلی یا حقیقی

خداوند و مبدأ آفرینش ماه و خورشید است. این دو پدیده‌ی فلکی از عین انعکاس‌یافته‌ی خداوند در دریای شیرین و آغازین خلق شده‌اند، خداوند از "عین" ظل خویش که در دریای آغازین منعکس شده بود ماه و خورشید را در فلک می‌آفریند (شهرستانی، بی‌تا، ۱۸۰/۱ ؛ الاشعری، ۱۴۰۰، ۷). او همچنین به قدرت خارق‌العاده و جادویی اسم اعظم و نقش آگاهی‌بخش آن در شناخت نظام آفرینش، مفاهیم، رموز و قدرت جادوگری و خارق‌العاده‌ی آن اشاره می کند. او معتقد بوده که اسم اعظم و حروف تشکیل دهنده آن شناخت ویژه ای ایجاد می‌کند که امام و رهبر از طریق آن توانایی خود را ارتقا می‌دهد و به جایگاهی می‌رساند که دیگران به‌آن اعتراف می‌کنند. بر این اساس مغیرة بن سعید می‌کوشید با دست‌یابی به رمز و راز حروف ابجد به کشف وجود خالق هستی و تجلی آن در وجود پیامبران و ائمه دست یابد و با طرح این ادعاها شایستگی خود را برای کسب مقام امامت، نبوت و سرانجام تجسم و تجلی خدا در وجود خویش اثبات کند (علوی بلخی، ۱۳۷۶، ۱۱۳ ؛ حسینی رازی، ۱۳۷۷، ۴– ۱۱۳ ؛ الشیبی، ۱۲۸۰، ۲۴). مغیره برای تقویت این ادعاها از ابزارهای جادوگری استفاده می‌کرد و می‌کوشید با دانش جادوگری و ابزارهای جادویی توانایی و آگاهی خویش را تثبیت کند. استفاده از قدرت جادو و جادوگری مغیرة بن سعید معطوف به اهداف دیگری هم بود. او از این طریق می‌کوشید که دامنه‌ی پیروانش را گسترش دهد. در واقع جادوگری نوعی اعجاز مغیره بود که او هم بتواند مثل پیامبران پیروانی برای خود دست و پا کند. براساس گزارش منابع تاریخی و فرقه‌شناسی، او ادعاهای گزافی می‌کرد؛ برای مثال ادعا می‌کرد که قادر است تمام کسانی را که از زمان حضرت آدم تا آن روز مرده‌اند زنده کند. (الطبری، ۱۴۲۴، ۱۴۰۴/۴ ؛ ابن الاثیر، ۱۴۱۸، ۴– ۴۵۳ ؛ الشهرستانی، بی‌تا، ۱۸۱ ؛ البلخی، ۱۴۱۷، ۱۷۹/۱) برای اثبات این ادعاها مغیره جماعتی از اطرافیان و آشنایان خود را در سر قبرستان‌ها حاضر می‌کرد و مدعی بود روح مرده‌ها را به شکل ملخ‌هایی که در حال پرواز بودند زنده می‌کند. (الطبری، همان‌جا ؛ ابن ثیر، همان‌جا) به احتمال بسیار افکار مغیرة بن سعید و استفاده از فنون جادوگری از سرچشمه‌های یهودی اخذ شده است. در مرکز تفکر گنوسیسم یهودی جادو نقش مهمی دارد. برخی گزارشگرهای تاریخی، مورخان تاریخ اسلام و مولفان آثار ملل و نحل و فرقه‌نگاری که به فرق غالی تشیع اشاره کرده‌اند به افکار و ادعاهای مغیرة بن سعید و ادعاهای جادوگری او هم پرداخته‌اند. این منابع اظهار داشته‌اند که مغیرة بن سعید با زن جادوگری در ارتباط بود که یهودی بود و جادوگری را به او یاد داد. (الکشی، ۱۳۸۲، ۲۹۹ ؛ الطبری، ۱۴۲۴،

۱۴۰۴/۴ ؛ ابن ابی الحدید، ۱۴۲۵، ۲۸۶– ۲۸۷ ؛ ۳۴۷، ۱۹۹۳، Madelung) در آیین‌های مرکابایی و گنوسی یهود هم جادوگری، ساحری و توسل به حروف و اسم اعظم جایگاه خاصی دارد. آن‌ها معتقدند که از طریق این نمادها و سمبل‌ها می‌توان به باروری و غنای بی‌همتایی در شناخت دست یافت و به کل اشیا و عالم معرفت پیدا کرد. ارتقا و صعود هم از طریق این امور جادویی و سحرآمیز شکل می‌گیرد و خویشتن انسان به عنوان ظهور مجدد الهی محسوب می‌شود (شولم، ۱۳۸۵، ۱۳۲– ۱۳۳).

اشعری در مقالات اسلامیین می‌گوید که مغیرة بن سعید ادعا می‌کرد که مرده‌ها را زنده می‌کند. ابزار وی برای احیای مرده‌ها قدرت سحرانگیز "اسم اعظم" بود. او همچنین به نمایش‌ها و نیرنگ‌بازی و پندارهای خارق‌العاده‌ی ابن سعید اشاره کرده است: "وزعم یحیی الموتی بالاسم الاعظم و أراهم اشیاء من النیرنجات والمخاریق" (الاشعری، ۱۴۰۰، ۶– ۷). ابن حزم، مغیرة بن سعید را در شمار کسانی دانسته که برای اثبات ادعای امامت و نبوت خویش به ساحری و جادوگری روی آورده است. ابن حزم مغیره را به خاطر این‌که جایگاه و منزلت نبوت را با ساحری و جادوگری یکی دانسته است سرزنش می‌کند (ابن حزم الاندلسی، ۱۴۲۰، ۱۷۶/۳). مغیره در کوفه از قدرت ساحری خویش استفاده کرد و با شعبده و جادوگری خلقی را گمراه کرده تا دعوی پیامبری او را اجابت کنند، "و قد ادّعی النبوة و قد نظر فی سحر فأسعرالنیران بالکوفه، علی التمویه و الشعبدة حتی أجابه خلق" (الشهرستانی، بی‌تا، ۱۸۱/۱) بلخی و دینوری می‌گویند مغیرة بن سعید مدعی بود که می‌تواند مرده‌های اقوام گذشته مثل عاد و ثمود را زنده کند (ابن قتیبه، ۱۴۰۷، ۳۴۰ ؛ البلخی، ۱۴۱۷، ۱۷۹/۱). ابن ابی الحدید هم مغیرة بن سعید را جادوگر، فریب‌کار و نیرنگ‌باز معرفی می‌کند و مدعی است که او جمع کثیری از مردم کوفه را گمراه و اغوا کرده است "ثم قدم المغیره الکوفه و کان مشعبذاً، فدعا الناس الی قوله و استهواهم و استغوا هم فاتبّعه خلق کثیر" (ابن ابی الحدید المعتزلی، ۱۴۲۵، ۲۸۶– ۲۸۷).

طبری و ابن اثیر به عنوان دو مورخ بزرگ تاریخ اسلام از ارتباطات مغیرة بن سعید با یک کاهنه‌ی یهودی سخن گفته‌اند و اذعان دانسته‌اند که او کارهای خارق‌العاده‌ای می‌کرد؛ مثلاً بر سر قبرستان‌های کوفه حاضر می‌شد و ادعا می‌کرد که مرده‌ها را به شکل حشرات و ملخ‌ها برمی‌انگیزد. (الطبری، همان، ۱۴۰۴ ؛ ابن الاثیر، همان، ۴۵۲/۴)

همان‌طور که از این منابع در می‌یابیم تفکر جادوگری و ساحری مغیرة بن سعید با افکار و آموزه‌ها و سرچشمه‌های یهودی مرتبط است و ابن سعید این آموزه‌ها را از طریق افکار رایج

کاهنین در عراق یا کاهنه‌ای یهودی گرفته است. منابع شیعی به ویژه کتب رجال به خاطر همین افکار و آموزه‌های ساحرانه او را رد و لعن کرده‌اند. کشی در کتاب رجال خود که مهم‌ترین کتب رجال شیعه است مغیرة بن سعید را از سوی امام جعفر صادق (ع) و امام محمد باقر (ع) مطرود و ملعون معرفی می‌کند. او یکی از موارد لعن و طرد مغیره را افکار ساحرانه‌ای ذکر می‌کند که از کاهنه‌ای یهودی به او القا می‌شده؛ "و لعن الله مغیرة و لعن یهودیة کان یختلف الیها یتعلم منها السحر و الشعبده و المخاریق" (الکشی، ۱۳۸۲، ۲۹۹)

دقت در این اظهار نظرها ما را به سرچشمه‌های تفکرات جادویی یهود که در آن کاهنان و ساحران یهود از طریق خرق‌عادات، جادوگری و شعبده که با تعلیمات اسراری و حروفی پیوند داشت رهنمون می‌کند. این کاهنان از طریق سحر و جادو نوعی عرفان و شناخت رمزی و سمبولیک را ترویج می‌کردند. در دیدگاه مغیرة بن سعید هم حروفی‌گری با ساحری و آموزه‌های جادوگری در خدمت شناخت مورد نظر در تفکرات حروفی و غالیانه قرار گرفته است. تنجیم و جادوگری مهم‌ترین رموز آیین‌های مبتنی بر گنوس هستند و عرفان گنوسی یهود از سرچشمه‌های مهم این رموز و تفکرات عرفانی شناخته شده است که از طریق آن مدعیان با انجام برخی کارهای عجیب و خارق‌العاده سعی کرده‌اند که نوعی معرفت مبتنی بر حروف و جادوگری به پیروانشان بدهند و آن‌ها را به شناخت مورد نظر برسانند (آشتیانی، ۱۲۷۵، ۱۳/۲ ؛ انترمن، ۱۳۸۵، ۱۶۰– ۱۵۸).

دیدگاه غلوآمیز و حروفی مغیرة بن سعید در مورد آفرینش، خلقت و ائمه و پیشوایانی مثل: امام علی بن ابی طالب (ع)، امام محمد باقر (ع)، ابوهاشم (عبدالله بن محمدبن حنفیه)، محمد نفس زکیه و امام جعفر صادق (ع) مبنی بر ترکیب اندیشه‌های غلوآمیز با شناختی مبتنی بر برداشت‌های گنوسی و عرفانی محیط کهن و پر رمز و راز بین‌النهرین است. آرا و اندیشه های مغیرة بن سعید و بررسی مسئله غلو و ارتباط آن با رمز و راز حروفی و عددی نخستین حلقه‌ی این اندیشه‌ها است که در پیوند با شناخت و عرفان جادوگری از افکار یهود و نصاری متأثر است. این اندیشه‌ها از سوی مراکز علمی، کنیسه‌ها، کلیساها و کانون‌های ترویج فلسفه‌ی نوافلاطونی و تعالیم ومجادلات کلامی مسیحیان به‌ویژه در مصر، سوریه و عراق ترویج یافت و بر جامعه‌ی اسلامی تأثیرات فراوانی گذاشت و به صورت افکار فرق غالی در قالب اندیشه‌های رمزی و حروفی در افکار رهبران فرق سیاسی، مذهبی و فکری پدیدار شد. (هالم، ۲۰۱۰، ۵–

۸). نخستین بار در عصر امویان مغیرة بن سعید و جریان مغیریه از این افکار بهره گرفتند.

نتیجه

مغیرة بن سعید عجلی که در شورش سال ۱۱۹هـ‌ق به دست خالد بن عبدالله القسری در عراق اعدام شد، پیروانی به نام مغیریه پیدا کرد. اندیشه‌های او و پیروانش سرچشمه‌ی بسیاری از افکار الحادی و التقاطی در اسلام و تشیع بوده است. یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های اندیشه‌ی او و پیروانش غلو و حروفی‌گری است. این مقاله با بررسی، رمزگشایی و تحلیل افکار و آرای مغیره به عنوان یکی از رهبران سیاسی- مذهبی جریان غلو در تشیع، سرچشمه‌ها، نمادهای رمزی و افکار حروفی و عددی در آرای او را بررسی کرده است و نقش او را در تأسیس و ترویج نخستین مکتب حروفی در تاریخ اسلام نشان داده و اندیشه‌های نمادینش را در پیوند با حروف و عدد آشکار کرده است. در بررسی اندیشه‌های مغیره نشان داده شده که مغیرة بن سعید ابداع‌کننده اندیشه‌ی اسراری و عرفان حروفی است. به اعتقاد او خداوند قابل تجسم است. راه تجسم و شناخت خداوند از نظر مغیریه در گرو شناخت "کلمه"، "اسم اعظم" و "حروف" و دست‌یابی به اسرار و رموز آن‌هاست. مغیره با نمادسازی حروفی و انطباق حروف الفبا با اعضا و جوارح خداوند از راه تصور، تجسم و تشبیه در صدد کشف راهی برای ایجاد شناخت عینی و انسان‌انگارانه از خداوند است.

تفکر بنیادین مغیرة بن سعید درباره‌ی خصوصیات اسم اکبر و اهمیت آن در آفرینش به عنوان اسم آغازین پیوند فکری او را با افکار نصاری و کلام مسیحیت نشان می‌دهد. قدرت سری اسم اعظم و ترکیب حروفی و عددی آن از دیدگاه ابن سعید نقش نمادینی در اندیشه‌ی مهدویت و رجعت دارد. حلول، رجعت، جادوگری و اعجاز از عناصر عمده‌ی اندیشه‌ی مغیره هستند. این عناصر در اسطوره‌ی آفرینش خلقت و شناخت و اندیشه‌های اجتماعی و سیاسی، مغیره را با موعودگرایی و فرجام‌شناسی مورد نظر او پیوند می‌دهد. اسم اعظم، حروف و اشکال آن در اندیشه‌ی ابن سعید نقش اساسی در آفرینش جهان و انسان دارند و در فرجام و سرنوشت آن موثرند، در نتیجه آغاز و انجام هستی هر دو با شناخت اسم اعظم و حروف ابجد رقم می‌خورده. تناسخ، حلول و اتحاد ارواح برگزیده هم به شکلی سمبولیک در قالب اشکال، حروف و اعداد در این وحدت آغازی و انجامی جایگاه مهمی دارد. این دیدگاه‌ها از مؤلفه‌ها و ویژگی‌های مهم اندیشه‌های شناختی و عرفان های شرقی – ایرانی و هندی – است که با اندیشه

و آرای گنوسی متأثر از افکار نصاری، یهود، فیثاغورسیان، مندائیان و حرانیان در محیط بین‌النهرین و کوفه پیوند یافته است و در شکل‌گیری افکار ابن سعید بسیار موثر بوده است.

ترکیب التقاطی و آزادمنشانه‌ی افکار و اندیشه‌های حروفی و غالی مغیره را باید در فراهم بودن بستر و محیط آن در عراق و به ویژه در کوفه جستجو کرد، جایی که شاخه‌های مختلف عقاید و آرای شرقی اعم از هند و ایرانی، سامی و عربی با افکار یونانی و نو افلاطونی در هم آمیخته بود مغیرة بن سعید نخستین کسی است که در عصر امویان از این آمیختگی و التقاط فکری به شکل حروفی استفاده کرد و آن را با برداشتی آزادمنشانه و غلوآمیز به تشیع پیوند داد و با تعریف نمادین و سمبلیک از الفبا و حروف، سرمنشأ آفرینش فرق حروفی، اسراری و رمزی و عددی در تاریخ اسلام در عهد امویان شد. این شیوه و ترکیب بعدها در جنبش‌های غالی، حروفی و باطنی به ویژه جنبش‌های سیاسی و مذهبی مختلفی که ضد عباسیان شکل گرفتند تأثیر فراوانی گذاشت و منشأ اثرگذاری بر طیف وسیعی از جنبش‌های سیاسی و مذهبی با ویژگی‌های اسراری، تأویلی، غالی و حروفی شد که از شرق ایران تا بین‌النهرین و سوریه را در قرون اولیه در بر گرفته بود.

منابع

- آشتیانی، جلال الدین، *عرفان، گنوستی سیزم، مسیحی سیزم : بخش دوم (مناهب اسراری)*، چ۲، شرکت سهامی انتشار، تهران، ۱۳۷۵ش.
- ابن الاثیر، ابن الحسن عزالدین، *الکامل فی التاریخ، المجلد الرابع*، راجعه و صحّحه : الدکتور محمد یوسف الدقاقه، دارلکتب العلمیه، بیروت– لبنان، ۱۴۱۸ق / ۱۹۹۸م.
- ابن ابی الحدید المعتزلی، عزالدین ابی حامد عبدالصمدبن هبة الله، *شرح نهج البلاغه*، موسسة الاعلمی للمطبوعات، الطبقة الثانیة، بیروت– لبنان، ۱۴۲۵ق / ۲۰۰۴م.
- ابن قتیبه الدینوری، محمد عبدالله بن مسلم، *المعارف*، دارالکتب علمیه، الطبعه الاولی، بیروت، لبنان، ۱۴۰۷ق / ۱۹۸۷م.
- ابن قیبه الدینوری، محمد بن عبدالله بن مسلم، *عیون الاخبار*، دارالکتب العلمیه، بیروت– لبنان، ۱۴۱۸ق / ۱۹۹۸م.
- الاشعری القمی، سعدبن عبدالله، *المقالات و الفرق*، صححه و قدم له و علق علیه، الدکتور محمد جواد مشکور، مرکز انتشارات علمی– فرهنگی، جلد دوم، ۱۳۶۰ش.

- البغدادی، عبدالقاهربن طاهر، *الفرق بین الفرق*، منشورات دارالآفاق الجدیده، الطبعه الرابعه، بیروت- لبنان، ۱۴۰۰ق / ۱۹۸۰م.
- البلخی، ابوزید احمد بن سهل، *البدء و التاریخ*، الجزء الثانی، الطبعه الاولی، منشورات محمدعلی بیضون، دارالکتب العلمیه، بیروت، لبنان، ۱۴۱۷ق.
- تامر، عارف، *تاریخ الاسماعیلیه*، ج۱، ریاض الرئیسی الکتب و النشر، لندن، الطبعه الاولی، ۱۹۹۱م.
- بهرامی، روح الله، *سرچشمه های فکری و سیاسی جنبش های کیسانی و ....*، رسالهٔ دکتری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ۱۳۸۳ش.
- الشیبی، کامل مصطفی، *تشیع و تصوف*، ترجمه علیرضا زکاوتی قراگوزلو، انتشارات امیر کبیر، چ۳، طهران، ۱۳۸۰ش.
- الشهرستانی، ابی الفتح محمدبن عبدالکریم، *الملل و النحل*، صححه و علق علیه : محمد احمد فهیمی محمد، الجزءالاول، دارالکتب العلمیه، بیروت- لبنان، [بی تا].
- الطوسی، ابی جعفر محمدبن حسن بن علی، *اختیار معرفة الرجال المعروف برجال الکشی*، التحقیق و التصحیح محمد تقی فاضل المیبدی- السید ابوالفضل الموسویان، طهران، ۱۳۸۲ش.
- الطبری ابی جعفر محمد بن جریر، تاریخ الطبری، المجلدالرابع، راجعه و قدم له : نواف الجراح، دار صادر، بیروت- لبنان ۱۴۲۴ق / ۲۰۰۳م
- النوبختی، ابن محمد الحسن بن موسی، *فرق الشیعه*، صححه و علق علیه : السید محمد صادق آل بحرالعلوم، المطبعة المهدودیه، فی النجف، ۱۳۵۵ش / ۱۹۳۶م.
- انترمن، آلن، *باورها و آیین‌های یهودی*، ترجمه رضا فروتن، انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، چ۱، ۱۳۸۵ش.
- حسنی رازی، سید مرتضی بن داعی، *تبصرة العوام فی معرفة مقالات الانام*، به تصحیح عباس اقتباس، المطعبه مجلس طهران، ۱۳۱۳ش.
- حقیقت، عبدالرفیع، *تاریخ جنبش های مذهبی در ایران*، ج۱، انتشارات قومس، ۱۳۷۵ش..
- خیاوی، روشن، *حروفیه*، تاریخ عقائد و آراء، نشر آتیه، چ۱، ۱۳۷۹ش.
- دفتری، فرهاد، *تاریخ و عقائد اسماعیلیه*، ترجمه فریدون بدره ای، چ۲، نشر فرزان، ۱۳۷۶ش.
- زینر، آر. سی، *معمای زرتشتی‌گری*، ترجمه تیمور قادری، انتشارات فکر روز، چ۲، ۱۳۷۵ش.
- شولم، گرشوم، *جریانات بزرگ در عرفان یهودی*، ترجمه فریدالدین رادمهر، انتشارات نیلوفر ، چ۱، زمستان ۱۳۸۵ش.
- علوی بلخی، ابوالمعالی محمدبن نعمت الله، *بیان الادیان*، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، موقوفات ایرج افشار، چ۱، ۱۳۷۶ش.
- فروغی، محمد علی، *سیر حکمت در اروپا*، کتاب فروش زوار، چ۱، تهران ۱۳۶۰ش.
- *کتاب مقدس (عهد قدیم و عهد جدید)*، گردآوری و تنظیم : ویلیام گلن و هنری مرتن، ترجمه فاضل همدانی،

چ۱، تهران، نشر اساطیر، ۱۳۸۰ش.
- کربن، هانری، *تاریخ فلسفه اسلامی*، ترجمه اسدالله مبشری، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۱ش.
- *کمبریج (تاریخ کمبریج)*، جلد ۴، ترجمه فارسی، حسن انوشه، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۲ش.
- گریمال، پیر، *اسطوره های خاورمیانه*، ترجمه‌ی مجتبی عبدالله نژاد، چ۱، نهد، نشر ترانه، ۱۳۷۶ش.
- لوئیس، برنارد، *اسماعیلیان در تاریخ*، ترجمه یعقوب آژند، چ۱، انتشارات مولی، تهران ۱۳۶۳ش.
- مدرس یزدی، علی اکبر، *مجموعه رسائل کلامی و فلسفی و ملل و نحل*، با مقدمه غلامحسین ابراهیمی دینانی، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چ۱، تهران، ۱۳۷۴ش.
- مشکور، محمد جواد، *تاریخ شیعه و فرقه های اسلام*، چ۴، کتابفروشی اشراقی، تهران، ۱۳۶۸ش.
- مشکور، محمد جواد، *فرهنگ فرق اسلامی*، تعلیقات و توضیح: کاظم مدیر شانه چی، چ۳، انتشارات آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۷۵ش.
- ناس- جان بی، *تاریخ جامع ادیان*، مترجم علی اصغر حکمت، ویراستار پرویز اتابکی، چ۱۱، انتشارات علمی فرهنگی تهران، ۱۳۸۰ش.
- ممتحن، حسینعلی، *پژوهشی در تاریخ و فرهنگ ایران*، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، چ۱، ۱۳۷۵ش.
- ناصح، ناطق، *بحثی درباره زندگی مانی و پیام او*، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۵۷ش.
- نصر سید حسین، *نظر متفکران اسلامی در باره طبیعت*، انتشارات طهوری، چ۴، ۱۳۷۷ش.
- نویری، شهاب الدین احمد، *نهایة الارب فی فنون الادب*، ترجمه دکتر محمود مهدوی دامغانی، انتشارات امیرکبری، چ۱، ۱۳۶۴ش.
- هاجسن، مارشال، *فرقه اسماعیلیه*، ترجمه فریدون بدره‌ای، انتشارات علمی و فرهنگی، چ۴، تهران، ۱۳۷۸ش.
- هال، جیمز، *فرهنگ انگاره‌های نمادها در هنر شرق و غرب*، ترجمه رقیه بهزادی، چ۱، تهران، نشر فرهنگ معاصر، ۱۳۸۰ش.
- هالم- هاینس، *الغنوصیه فی الاسلام*، ترجمه رائد الباش، منشورات الجمل، الطبقة الثانیه، بیروت، لبنان، ۲۰۱۰م.
- هوک، هنری، *اساطیر خاورمیانه*، ترجمه‌ی ع. ا. بهرامی و فرنگیس مزداپور، چ۳، ۱۳۷۸ش.
- ور مارزن، مارتین، آیین میترا، ترجمه‌ی بزرگ نادرزاد، نشر چشمه، تهران، ۱۳۸۰ش.
- المقریزی، تقی الدین ابی العباس، الخطط المقریزیه، وضع حواشیه خلیل المنصور، دارالکتب العلمیه، بیروت، لبنان، ۱۴۱۸ق/۱۹۹۸م.

- E.B. “Mughiriyyah” in encyclopedic ethnography of Middle East and central Asia: A-1, volume 1, edited by R. Khonam. , 2002, pp.: 569-570
- Tuker, Willam Fredrik, “Mahdis and millenarians”, Shi’ites extremists in early Muslim Iraq”, Cambridge University press, 2008, pp.: 59-61
- W. Madelung, “Mughiriyyah” in the encyclopedic of Islam, Bosworth 8 others, Vol. 1, VII. Leiden,-Brill, 1993, pp.: 347-349